

کوچک‌تر این میانگین با توجه به سابقه قیمت بلیت در یک سال اخیر می‌تواند کمتر-حداقل ۸۰۰۰ تومان- باشد) از گروه‌های نمایشی حمایت کند. در مجموع، تفسیر حاصل از این توضیحات می‌تواند چنین باشد که گروه‌های نمایشی جوان‌تر، کم‌تعدادتر، کم‌توقع‌تر، مهجورتر و مشتاق‌تر و... این ضرر مالی را آسان‌تر از پیشکسوتان می‌پذیرند.

■ بازتولید آثار موفق پیشین؛ راهکار جوانانی تیزهوش

بازتولید نمایش‌هایی که پیش از این در جشنواره و اجرای عمومی، جواب پس داده و تماشاگران را به سالن‌ها کشانده بود، راهکار تعدادی از جوانانی بود که موجب شد دست‌کم ریسک تولید اثری تازه و احیاناً ضرر و زیان مالی حاصل از کم‌بودن احتمالی تعداد تماشاگران را کاهش دهد. نمایش‌هایی که از جمله آنها می‌توان به «هار» به نویسندگی و کارگردانی حسین پوریانی‌فر و تهیه‌کنندگی حمید پورا‌آذری کاری از گروه تئاتر پاپتی‌ها و «لوله» به نویسندگی و کارگردانی علیرضا اجلی اشاره کرد که هر دو پیش از این در سال ۱۳۹۷ در تالار مولوی روی صحنه رفته بودند و همان سال در بیست‌ویکمین جشنواره تئاتر دانشگاهی نیز درخشیده بودند. هر دو این آثار توانستند در اجرای عمومی سال ۱۴۰۰ خود در تماشاخانه ایرانشهر مجدداً با استقبال تماشاگران مواجه شوند و برای گروه نمایشی، کارگردان و بازیگران خود خاطره‌ای تلخ از اجرا در سالی خالی از تماشاگر نسانند.

■ این جوانان را تنها عدد نبینیم

حضور همین جوانان، هر کدام به علتی و هر کدام با بهانه‌ای، روی صحنه تئاتر در شهر تهران است که امروز موجب می‌شود به هر شکل و مشکلی چراغ صحنه روشن باشد؛ حضوری که اگرچه اکثراً در تهران است اما آنها به سراسر کشور تعمیمش می‌دهند تا بتوانند به عنوان مثال برخلاف اهالی موسیقی که همچنان در تعطیلی مطلق به‌سر می‌برند، بگویند اهالی تئاتر به بازگشایی سالن‌ها روی خوش نشان داده و روی صحنه رفته‌اند. بدون شک ایجاد تغییری در شیوه محاسبه ضرر و زیان ناشی از الزام به استفاده از تنها ۵۰ درصد ظرفیت سالن نکته‌ای است که نباید مغفول بماند. در شرایطی که به عنوان مثال پهای بلیت دو نمایشی که از آنها نام برده شد «هار» و «لوله» به ترتیب ۵۰ و ۶۰ هزار تومان بود مشخص نیست براساس چه منطقی مبنای قیمت بلیت در شهر تهران ۳۰۰۰۰ تومان در نظر گرفته شده است تا براساس تعداد بلیت فروخته‌شده برای هر نمایش بین ۵۰ تا ۷۰ درصد عدد به دست آمده، اثر از حمایت شود. این عدد در استان‌ها قابل تأمل‌تر است هنگامی که می‌بینیم میانگین قیمت ۲۰۰۰۰ تومان و در شهرهای کوچک‌تر، کمتر و حداقل ۸۰۰۰ تومان در نظر گرفته شده است. آن‌چه نباید فراموش کرد این است که نمی‌توان از این جوانان انتظار داشت تا پایان اوج‌نویس‌سایون سراسری و بازگشت پیشکسوتان به صحنه، همچنان در برابر ویروس کشنده کرونا سینه سپر کنند، همچنان در برابر تماشاگرانی که به‌حق برای حفظ جان‌شان با ماسک و فاصله‌گذاری اجتماعی به تماشایشان نشسته‌اند روی صحنه بروند و همچنان به این نکته که چرا اهالی دنیای تصویر، سینما، تلویزیون و شبکه نمایش خاکی پیش از آغاز هر پروژه همه عوامل خود را واکسینه می‌کنند اما این اتفاق برای تئاتری‌ها رخ نمی‌دهد و باز چراغ صحنه را روشن نگه می‌دارند.

نگاهی به وضعیت سالن‌های نمایشی در سه ماه نخست ۱۴۰۰

جان‌های جوانی که پیش قدم شدند

▲ درگس کیانی خبرنگار

نگاهی به اسامی کارگردانی که در طول سه ماه نخست ۱۴۰۰ روی صحنه تئاتر رفتند نشان می‌دهد که در شرایط دشوار کنونی این جوان‌ترها بودند که پیش قدم روشن نگه داشتن چراغ تماشاخانه‌ها شدند. هرچند این روزها آرام آرام خبرهایی از حضور پیشکسوتان و چهره‌های شناخته‌شده‌ای چون هادی مرزبان یا نمایش «دکتر نون رنش را بیشتر از مصدق دوست دارد»، گلاب آدینه یا نمایش «بانوی محبوب من»، الهام پاوه‌نژاد یا نمایش «لاموزیکا» و... روی صحنه تئاتر می‌شنویم و می‌دانیم که در حال آماده کردن اثرشان برای اجرا هستند اما از آغاز اعلام رسمی شیوع کرونا در ایران و تعطیلی و بازگشایی مکرر سالن‌های نمایشی در پی آن، این جوان‌ترها بودند که با هر بار برقراری امکان اجرا، متقاضی روی صحنه رفتن شدند. تقاضایی که می‌تواند به دلایل گوناگون مطرح شده باشد و به ناچار و در پی نگاه اندکی پدییانه که در انتهایش سوت و کوری تئاتر استان هاست که سوسو می‌زند به تئاتر تهران محدود شده است.



نمایش «هرفی»، نویسنده سپیده ضیایی، اقتباسی از رمان ساموئل بکت، کارگردان نگین ضیایی



نمایش «هار»، نویسنده و کارگردان حسین پوریانی‌فر

نگاهی به اسامی هنرمندان، کارگردانان و بازیگرانی که در طول سه ماه گذشته روی صحنه تئاتر تهران رفته‌اند، نکته دیگری را هم نشان می‌دهد و موجب طرح سؤالی تلخ اندیشه‌ها می‌شود. این جوانان اگر اکنون که تماشاخانه‌ها خالی است و کسی در نوبت اجرا نیست، روی صحنه نمی‌رفتند آیا در شرایط عادی از امکان اجرا در سالن‌های نام‌نشان داری که حالا روی صحنه آن هستند، برخوردار می‌شدند؟!

به مبلغ در نظر گرفته شده برای مبنای بلیت به گوش می‌رسد.

شیوه‌نامه‌ای که براساس آن قرار شد این اداره‌کل در تهران بر مبنای قیمت بلیت ۳۰۰۰۰ تومان و براساس تعداد بلیت فروخته‌شده برای هر نمایش بین ۵۰ تا ۷۰ درصد عدد به دست آمده، اثر از حمایت کند و در دیگر شهرها مبلغ یک میلیارد تومان را در اختیار انجمن هنرهای نمایشی استان‌ها قرار دهد تا با نظارت ادارات کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان‌ها با توجه به فعالیت‌های انجام‌شده و با در نظر گرفتن میانگین قیمت ۲۰۰۰۰ تومان (در شهرهای

گروه‌های نمایشی را متضرر می‌کند. هرچند اداره‌کل هنرهای نمایشی در اطلاعیه شماره ۶ خود مورخ یکم شهریور ۱۳۹۹ اعلام کرد: «پس از برگزاری جلسات متعدد، با حمایت‌وهمراهی معاون محترم امور هنری و تصویب و ابلاغ بودجه‌ای مستقل، امکان رسیدن به برنامه‌ای برای رفع خلأ موجود مبنی بر عدم استفاده از ۵۰ درصد ظرفیت سالن‌های نمایشی فراهم آمد.» و شیوه‌نامه خود را برای رفع این خلأ در تهران و استان‌ها اعلام کرد اما همچنان نارضایتی‌هایی از زبان هنرمندان نسبت به ایرادات این شیوه‌نامه از جمله کوچک بودن عدد حاصل از آن با توجه

به چرخه‌ای که نمی‌دانند بازنده‌اش هستند یا برنده‌اش.

■ گروه‌های کوچک‌تر، هزینه کمتر

موافقت ستاد ملی مدیریت بیماری کرونا با بازگشایی سالن‌های سینما و تئاتر تنها در صورتی بود که صاحبان این سالن‌ها و همچنین هنرمندان ملزم به استفاده از تنها ۵۰ درصد ظرفیت مجاز مکانی باشند که فیلم‌شان در آن اکران یا نمایش‌شان در آن روی صحنه می‌رود. شرطی که اگرچه رعایت آن برای حفظ جان تماشاگران و پیشگیری حتی‌المقدور از ابتلاشان به کرونا ضروری به نظر می‌رسد اما خواه‌ناخواه

برای حفظ سلامتی آن‌هاست و نه گروه نمایشی که بی‌ماسک و فاصله، روی صحنه در حال بازی‌اند.

■ اگر حالا روی صحنه نروند، شاید هیچ وقت نتوانند بروند

نگاهی به اسامی هنرمندان، کارگردانان و بازیگرانی که در طول سه ماه گذشته روی صحنه تئاتر تهران رفته‌اند، نکته دیگری را هم نشان می‌دهد و موجب طرح سؤالی تلخ اندیشه‌ها می‌شود. این جوانان اگر اکنون که تماشاخانه‌ها خالی است و کسی در نوبت اجرا نیست، روی صحنه نمی‌رفتند آیا در شرایط عادی از امکان اجرا در سالن‌های نام‌نشان داری که حالا روی صحنه آن هستند، برخوردار می‌شدند؟! به عبارت دیگر آیا می‌توان گفت تنها اکنون که کرونا صف طولانی منتظران در نوبت اجرا را به‌هم‌زده و خود ابتدای صف ایستاده است، این جوانان مُجازند یا گذر از مقابل او در سالن‌هایی که در شرایط عادی تنها آرزوی اجراکردن در آنها را در سر داشتند، روی صحنه بروند؟ و آیا اگر ما نیز به جای آنها بودیم و می‌دانستیم یا اکنون که لیست مدیران تماشاخانه‌ها و سالن‌ها از اسامی بزرگان خالی است باید ریسک کنیم و متقاضی اجرا شویم یا این فرصت دیگر هیچ‌گاه پیش نمی‌آید، همین کار را نمی‌کردیم؟!

■ رزومه‌ای که شاید به بهای جان به دست بیاید

جوانانی که می‌دانند اگر حالا روی صحنه نروند احتمالاً با بازگشت وضعیت به حالت عادی جایی در صف طولانی منتظران روی صحنه رفتن در سالن‌های شناخته‌شده ندارند، احتمالاً در اندیشه رزومه‌ای هم هستند که یا حالا باید با عناوین اجرا در تالارهای معتبر پر شود یا اگر بخت‌یار باشند در آینده‌ای دور و یا شاید هیچ وقت. رزومه‌ای که در نگاهی بدبینانه به بهای جان به دست می‌آید و پذیرفتن ریسک ورود

■ نمی‌ترسیم، نمی‌افتیم، نمی‌بازیم

هرچند کرونا از ابتدای اعلام رسمی شیوع در ایران تا امروز، در ابتدای تیر ۱۴۰۰، جوانان بسیاری را اسیر خاک کرده است اما همچنان گمان می‌کنیم این گروه‌های سنی بالاترند که در معرض خطر ابتلای بیشتر و شدیدتر قرار دارند. پس آن‌چه می‌تواند در نگاه نخست دلیل این اتفاق باشد احتمال کمتر وخامت حال جوانان در صورت ابتلا به کروناست که موجب شده است ریسک‌پذیرتر باشند و با سر ترس‌تری در سالن‌هایی روی صحنه بروند که تنها مُجاز به استفاده از ۵۰ درصد ظرفیت آن هستند و کرونا یک تنه، روی ۵۰ درصد ظرفیت باقی‌مانده نشسته است تا اثبات کند همچنان زورش بر آنها می‌چرید. ریسکی که وقتی ترسناک‌تر می‌شود که بدانیم بازیگران، روی صحنه تئاتر امکان استفاده از ماسک را که این روزها تنها وسیله ما چشم‌انتظاران واکسن برای دفاع از خودمان در مقابل کروناست، ندارند و امکان حفظ فاصله‌گذاری اجتماعی و رعایت فاصله ایمن از یکدیگر نیز برای‌شان مقدور نیست چرا که این میزانسن طراحی‌شده توسط کارگردان است که فاصله‌پیش‌ان را از یکدیگر مشخص می‌کند نه میزانسنی که کرونا این روزها برای‌مان تعریف و ملزمنان کرده است فاصله یک‌وونیم متری را از یکدیگر رعایت کنیم.

هرچند تماشاگران در سالن‌های تئاتر از لحظه ورود تا خروج نمی‌بایست ماسک خود را از چهره بردارند و در پی الزام سالن‌داران و گروه‌های نمایشی به استفاده از ۵۰ درصد ظرفیت سالن، با فاصله از یکدیگر می‌نشینند و در تماشاخانه‌های اسم‌ورسم‌دارتر، پیش از ورود به سالن تب‌سنجی هم می‌شوند تا با خیال آسوده‌تری تماشاگر تئاتر باشند اما همه این تمهیدات صرفاً راهکارهایی

جوانانی که قدم جلو گذاشته‌اند



حسین مسافر آستانده مدیر تماشاخانه ایرانشهر

استقبال از آثار در تماشاخانه ایرانشهر مانند بسیاری از دیگر تماشاخانه‌ها، به کیفیت اثر وابسته است. اگر کار، کاری مورد پسند برای مخاطب باشد قطعاً با استقبال مواجه می‌شود و من به‌شخصه تا به حال ندیده‌ام کاری خوب باشد و نتواند مخاطب را به خود جذب کند. خوشبختانه دو اجرای تماشاخانه ایرانشهر در سه ماه نخست سال جاری، هم «سگک» و هم «هار» با به فروش رفتن بلیت‌های ۵۰ درصد ظرفیت مجاز سالن هایشان مواجه شدند و این اتفاقی بسیار خوشایند بود که جدا از ۵۰ درصدی که طبق دستور ستاد ملی مدیریت بیماری کرونا موظف بودیم خالی نگاه‌ش داریم، صندلی خالی دیگری نداشتیم. البته که نمایش‌هایی هم در ایرانشهر روی صحنه بود که چنین اتفاقی برایشان رخ نداد و یک بار دیگر این اتفاق را نشانی از آن‌چه در ابتدا گفتم می‌دانم. این که اگر کار از کیفیت خوبی برخوردار باشد قطعاً تماشاگر به تماشای آن خواهد نشست و هیچ چیز، نه شرایط کرونایی و نه هیچ چیز دیگر مانع از پر شدن ظرفیت مجاز سالن نمی‌شود. شرایط تولید کار برای گروه‌های حرفه‌ای و پیشکسوت، شاید از منظر اقتصادی شرایطی به سامان تلقی نشود چرا که حداکثر ظرفیت فروش، ۵۰ درصد ظرفیت سالن است و این میزان از فروش، شاید هزینه‌های یک گروه بزرگ و حرفه‌ای را تقیل نکند اما جوان‌ترها جدا از آن که هزینه

تماشای جوانانی که به‌رغم کرونا، روی صحنه‌اند



محمّد دشت‌گلی مدیر پردیس تئاتر شهرزاد

سال، نو و قرار بر این شد که در ایام نوروز میزبان تماشاگران باشیم اما تعطیلی تا اطلاع ثانوی می‌روند اما این که آن نمایش متعلق به یک گروه تهران اجازه بیش از یک اجرا را نداد. بازگشایی دوباره در ۱۲ فروردین با تغییر دسته‌بندی شغلی اهالی تئاتر و موافقت با انتقال‌شان از گروه ۳ به گروه ۲ رخ داد و رسانه‌ها با تیتیر «خواست‌های که بعد از یک سال محقق شد» به استقبالش رفتند. فرمز شدن شهر تهران در ۱۷ فروردین اما باز هم در سالن‌ها را بست و یک ماه بعد، ۱۸ اردیبهشت خبر آمد که تئاتری‌ها می‌توانند روی صحنه بروند. هنگامی که در فروردین ۱۴۰۰ اجازه بازگشایی سالن‌های تئاتر، روی صحنه رفتن گروه‌های نمایشی و میزبانی از مخاطبان صادر شد، در ایام نوروز شاهد اجرای دو نمایش در پردیس تئاتر شهرزاد بودیم که مورد استقبال هم قرار گرفت اما همه چیز به‌سرعت تعطیل و سری بعدی بازگشایی به اردیبهشت‌ماه موکول شد. این باز شدن‌ها و بسته شدن‌ها، هم اراده گروه‌های نمایشی را برای روی صحنه رفتن متزلزل و هم تماشاگران‌شان را مردود و نگران کرد. در مجموع می‌توان گفت اگر پس از بازگشایی در نوروز، شاهد تعطیلی نبودیم احتمالاً با همان میزان استقبال از آثار روی صحنه وارد اردیبهشت‌ماه می‌شدیم.

سالن‌ها و به این جوانان سر بزنند و به آن‌ها دلگرمی بدهند، چرا که در شرایط فعلی به نظر می‌رسد آمار از سوی مسئولان ارائه می‌شود و این جوانان هستند که مخاطرات را بر دوش می‌کشند تا مدیران آماری برای ارائه داشته باشند. در نتیجه معتقدم این یکی از وظایف این عزیزان است که فراغتی برای خود ایجاد کنند و به سالن‌های تئاتر سر بزنند و در واقع این وظیفه‌شان است که به تماشای آثار نمایشی بنشینند و با گروه‌های نمایشی و سالن‌دارها صحبت کنند. در طول چند ماه گذشته، دست‌کم در تماشاخانه شهرزاد، مشاهده نکرده‌ام که مدیری چنین کاری انجام دهد و این در حالی است که ما به محل کار این دوستان هم بسیار نزدیکیم، امیدوارم در چند صبحی که باقی مانده است شاهد حضور این مدیران در مقام تماشاگر آثار روی صحنه باشیم.

در پایان باید بگویم من از جمله مدیران سالن‌های تئاتری هستم که باز بودن سالن‌ها و مجاز به استفاده از ۵۰ درصد ظرفیت سالن‌ها را به تعطیلی کامل پیشین ترجیح می‌دهم، هرچند تعداد تماشاگران بسیار کمتر از دوران پیش از شیوع کرونا باشد. ما ضمن تأکید بر به کار بردن تمام تلاش‌مان برای رعایت پروتکل‌های بهداشتی، امیدواریم با ادامه پیدا کردن اجراها، تعداد تماشاگران نیز به وضعیت پیش از شیوع کرونا بازگردد.